

# مسائل تربیتی دختران از منظر قرآن و روایات

دکتر محمدعلی حاجی ده‌آبادی / جهانرخ جعفری  
استادیار دانشگاه قم / کارشناسی ارشد علوم قرآن

## چکیده

از دیدگاه متون دینی، تربیت دختران متمایز از تربیت پسران است. علاوه بر تفاوت‌هایی که از سوی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به اثبات رسیده است، آموزه‌های متعدد دینی هم، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، به تفاوت‌های تکوینی بین زن و مرد اشاره کرده‌اند. حیطه‌های تمایز تربیت آنها شامل اهداف، اصول و روش‌ها می‌باشد. دسته‌ای از اهداف تربیتی به انسانیت انسان جدای از جنسیت او برمی‌گردد. اما دسته‌ای از اهداف بنا بر شرایط جسمی و روحی دختران و نقش‌ها و وظایف ویژه آنها، در تربیت آنان ضرورت خاصی دارد. در رابطه با اصول تربیتی نیز، دسته‌ای از اصول برگرفته از اهداف عام تربیتی است ولی دسته‌ای دیگر، بنا بر شرایط ویژه دختران در تربیت آنها از اهمیت خاصی برخوردار است.

همچنین این پژوهش روشن می‌کند که در امر تربیت، اتخاذ روش‌ها باید دربرگیرنده مقتضیات فطری و طبیعی و ضرورت‌های اجتماعی افراد باشد. بنابراین، در عین حال که روش‌های واحدی برای تربیت دختران و پسران به کار می‌رود، در تربیت دختران ملاحظات خاصی از سوی متون دینی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، دختران، مسائل، زنان، آموزش و پرورش.

## مقدمه

تربیت انسان‌ها امری دشوار و مهم‌ترین هدف ارسال رسولان الهی بوده است. یکی از عوامل دشواری مسئله تربیت، عامل جنسیت است. به عبارتی، تربیت بر حسب جنس انسان، مسئله‌ای همواره بغرنج برای بشر بوده است. اگرچه زمانی با حاکمیت نگرش‌های مادی‌گرایانه و سکولار از شدت این مسئله کاسته شد، اما در مکتب تربیتی اسلام همواره جنسیت لحاظ شده است. آنچه در جامعه امروز ما نمود فراوان دارد سرگردانی دختران و الگوپردازی آنها از برنامه‌های وارداتی فرهنگ غربی است که بخشی از این واقعیت تلخ ناشی از عدم تبیین برنامه‌های تربیتی قرآن و فقدان برداشت‌های صحیح و متناسب با نیازهای زمان از این سرچشمه فیض الهی است. از این‌رو، بررسی آموزه‌های دینی در تربیت انسان‌ها و پرداختن به نکات افتراقی آنها برای تربیت دختر و پسر از ضرورت خاصی برخوردار است.

آنچه نوشتار حاضر بدان می‌پردازد پاسخ به این سؤال است که آیا از دیدگاه قرآن و روایات، تربیت دختران متمایز از تربیت پسران است، و اگر آموزه‌های دینی این تمایز را قایلند، علت آن چیست و این تمایز شامل چه حیطه‌هایی می‌شود؟ در پاسخ به سؤال اول، تمایز مبانی تربیتی دختران از پسران، و در پاسخ به سؤال دوم، حیطه‌های تمایز (اصول، روش‌ها و اهداف) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## تمایز مبانی تربیتی دختران از پسران

در بیان مبانی تربیتی دختران، ضرورت‌ها و دلایل تمایز تربیت دختران از پسران نظیر شرایط زیستی متفاوت دختران از پسران، شرایط عاطفی و روانی، وظایف متفاوت و شرایط اجتماعی متفاوت دختر و پسر مطرح می‌شود. در ادامه نیز به تفاوت‌های بین زن و مرد از منظر آموزه‌های دینی اشاره می‌گردد.

### ۱. شرایط زیستی

- دختران زودتر از پسران به بلوغ می‌رسند. (کلاین برگ، ۱۳۵۲، ص ۳۱۴)  
- دوره استراحت قلب در هر ضربان، در پسران کوتاه‌تر از دخترهاست و فشار خون حاصل از انقباض قلب بیشتر است. پسران اکسیژن بیشتری در خون دارند و هموگلوبین آنها (ماده‌ای که اکسیژن را حل می‌کند) پس از بلوغ بیشتر است. (گنجی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۳)

- از همان اوان طفولیت، دختران در رشد زبان، از جمله سن آغاز تکلم، وسعت کلماتی که به کار می‌برند و نیز ساختمان عباراتی که استعمال می‌کنند و اموری نظیر آن، از پسران پیش می‌افتند. بنا بر علایم دیگر، ظاهراً برتری از لحاظ استعداد زبانی در مراحل بعد نیز ادامه می‌یابد. (کلاین برگ، همان)

### ۲. شرایط عاطفی و روانی

- دختران در برابر خواسته‌های والدین و بزرگسالان دیگر تسلیم‌پذیرترند، اما پسران در برابر این دستورات واکنش‌های متفاوتی دارند. (بی‌ریا، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۰۳۴)

- زیبایی در دختران لذت ایجاد می‌کند و هر قدر زیبایی‌ها با شرایط روانی و مأنوس آنان سازگارتر باشد شدت ادراکشان بیشتر و در نتیجه لذتشان بیشتر است؛ به‌ویژه در سنین نوجوانی، آنها ارزش‌های مربوط به جمال پسندی را در مرحله اول اهمیت قرار می‌دهند. (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴)

- پذیرش دیگران، خصوصیت دیگری است که در زنان بیشتر دیده می‌شود. حتی دختر بچه‌های کودکانی بیشتر وقت خود را با همبازی‌هایشان می‌گذرانند و حال آنکه پسر بچه‌ها بیشتر با اسباب‌بازی‌های انفرادی و وسایل ورزشی سرگرم می‌شوند. (بی‌ریا، همان، ص ۱۰۳۵)

### ۳. وظایف متفاوت

دوگانگی در آفرینش زن و مرد عاملی تعیین کننده برای وظایفی است که هر یک عهده دار انجام آن در جامعه می باشند و نوع وظایفی که دختر و پسر بر عهده می گیرند تعیین کننده نوع تربیتی است که درباره آنها باید مورد توجه قرار گیرد.

خداوند حکیم مرد و زن را به گونه ای خلق کرد که متناسب با وظیفه ای باشند که در آینده باید انجام دهند. مرد برای مبارزه و مقاومت با مشکلات و موانع خارجی، فعالیت، حیات استقلالی، تشکیل خانواده، تحصیل مواد معیشت، پدر شدن و حمایت کردن از زن آفریده شده است، در حالی که زن برای قبول فعالیت، انفعال، ابراز شخصیت، اظهار حب و عاطفه، دوست شدن و محبوب بودن، مهر ورزیدن، مادر شدن، بچه پروردن، خانه داری، از خود گذشتگی و فداکاری ساخته شده است. از این نظر است که زن و مرد دارای خلیات و خاصیت دو موجود کاملاً متمایز و متفاوت می باشند. (صدر،

۱۳۱۹، ص ۱۷۱)

بنابراین، نوع تربیت باید متناسب با نوع وظایفی باشد که دختر و پسر عهده دار آن هستند. برای نمونه، مهم ترین وظیفه ای را که دختران در آینده بر عهده خواهند گرفت ایفای نقش مادری است. از این رو، باید فنون و مهارت های لازم را به آنها آموزش داد و این جز از راه تربیت ممکن نیست.

### ۴. شرایط اجتماعی متفاوت

یکی از عناصر بسیار مهم که در تصور و نگرش فرد نسبت به خود اثر می گذارد موقعیت یا مقام جنسی اوست.

موقعیت یا مقام جنسی در کنار عامل زیستی دربرگیرنده مجموعه‌ای از الگوها و قالب‌های رفتاری است که به صورت نهادی اجتماعی پذیرفته شده که هم بر تصور و نگرش فرد نسبت به خود اثر می‌گذارد و هم بر نگرش و انتظارات جامعه از او اثرگذار است. در واقع، دیدگاه‌ها و نگرش دیگران نسبت به دختران حتی قبل از تولد او مطرح است؛ بسیاری از جوامع، جنین غیر فعال و آرام را دختر و جنین پرتحرک و فعال را پسر می‌دانند. (شهر آرا، ۱۳۷۴، ص ۵۳)

از حدود سه سالگی که دختر به هویت جنسی خود پی می‌برد، انتظارات و نگرش‌های عوامل اجتماعی‌کننده و به‌ویژه خانواده، در شکل‌گیری نگرش او نسبت به خود نقش مهم دارد. در یک مطالعه در مورد انتظار، نگرش و رفتار والدین و مربیان کودکان پیش دبستانی، این نتیجه به دست آمد که ۸۸ درصد از مادران ایرانی از دوسالگی دختر را به مراتب کمتر از پسر به استقلال و خودکفایی تشویق می‌کنند، ولی بر اساس این نگرش که دختر در آینده نقش همسر و مادر دارد، خصوصیتی چون همکاری با دیگران، حساس بودن به نیازهای دیگران و قبول مسئولیت برای دیگران را در او تقویت می‌کنند. (همان، ص ۵۵)

### تفاوت بین زن و مرد از منظر آموزه‌های دینی

آموزه‌های دینی به تفاوت‌هایی در زمینه ذهنیت‌ها، تمایلات و رفتارها پرداخته‌اند؛ برای نمونه، در متون دینی از «حیا» به عنوان صفت غالب در زنان یاد شده است:

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: حیا ده جزء است؛ نه جزء آن در زنان و یک جزء آن در مردان است. هنگامی که دختر حیض می‌شود یک جزء از حیای او از بین می‌رود. هنگامی که ازدواج می‌کند جزء دیگری از آن می‌رود، پس هنگامی که

بکارت او از بین می‌رود جزء دیگر آن از بین می‌رود. هنگامی که فرزند به دنیا آورد جزء دیگر آن می‌رود و پنج جزء دیگر آن باقی می‌ماند. در صورتی که مرتکب فحشا شود تمام اجزای او از بین می‌رود و اگر عفت پیشه کند پنج جزء دیگر آن باقی می‌ماند. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۰۳، ص ۲۴۴)

همچنین دسته‌ای از روایات، خودنگهداری زیاد در امور جنسی در عین توانایی در شهوت جنسی را از صفات مربوط به زنان بر شمرده‌اند:

امام صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان می‌فرمایند: همانا خداوند برای زن صبر ده مرد را قرار داده است، پس هنگامی که او تحریک شود شهوتش ده برابر مرد است. (کلینی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۳۳۸)

از سویی، به قدرت تدبیر و دوراندیشی عقلانی به عنوان صفت غالب در مردان اشاره شده است:

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «عقول النساء فی جمالهن و جمال الرجال فی عقولهم» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۵۱۳)؛ عقل زنان در زیبایی آنهاست و زیبایی مردان در عقل آنها.

نکته قابل ذکر اینکه در عین حال که فهم روایات کار ساده‌ای نیست، ولی در هر حال، روایات متعرض برخی مبانی مهم در تربیت دختران شده‌اند که برخی از آنها به تفاوت‌های زیستی آنها با پسران و برخی دیگر به تفاوت‌های روان‌شناختی و اجتماعی باز می‌گردد.

### اهداف تربیتی دختران

روشن است که غایت تربیت باید متناسب با حقیقت انسان باشد. از طرفی، حقیقت انسان به روح او برمی‌گردد نه به جسم او. اسلام که به همه انسان‌ها اعم از

زن و مرد کرامت بخشیده،\* مقصد نهایی واحدی را از تربیت آنها دنبال می‌کند. هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی احیای وجود انسانی و هدایت او به سوی الله و به عبارتی، شکوفایی استعدادهای انسان برای رسیدن به کمال مطلق است که این امر دختران و پسران را به طور یکسان شامل می‌شود. در عین حال، خداوند متعال زن و مرد را به دوگونه خلق کرده است و این دوگونگی و دو جنسی بودن زن و مرد بر اساس تضاد نبوده، بلکه هدف و نقشه‌ای را تعقیب می‌کرده است و این هدف در تربیت هم باید لحاظ شود.

بنابراین، دسته‌ای از اهداف تربیتی به لحاظ نقش‌هایی که دختران در جامعه ایفا می‌کنند و وظایفی که بر عهده دارند، و نیز به لحاظ شرایط جسمی و روحی‌شان، برای آنها از ضرورت خاصی برخوردار است. در ذیل، به برخی از این اهداف تربیتی اشاره می‌شود:

#### ۱. تربیت دختران به لحاظ نقش مادری

از اساسی‌ترین اهداف تربیتی دین مبین اسلام برای دختران تربیت آنها برای ایفای نقش مادری است که بخش مهمی از سعادت و شقاوت جامعه بستگی به چگونگی ایفای این نقش از سوی آنان دارد.

در اسلام، مقام مادری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمودند: «انَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ». (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص ۱۸۰)

در قرآن کریم از مقام مادران انبیا، از جمله مادر حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام، مادر

---

\* «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُطْنِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۱۷).

حضرت اسماعیل علیه السلام، مادر حضرت عیسی علیه السلام و مادر حضرت مریم علیه السلام به نیکی یاد شده است.

خدای سبحان در سوره مبارکه «طه» و در بیان سرگذشت حضرت موسی علیه السلام، مادر آن حضرت را مشمول لطف خاص خود شمرده، به گونه‌ای که ایشان مورد وحی و الهام الهی قرار می‌گیرد: «إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ أَنْ اقْدِفِيهِ فِي التَّابُوتِ...» (طه: ۳۸-۳۹)

بخش اعظم اهمیتی که اسلام برای زنان قایل شده در رابطه با جنبه مادری آنهاست. اسلام به زنان اهمیت می‌دهد و برای رشد و تربیت آنها توصیه می‌کند تا آنان بتوانند نسلی شریف پیورانند. از این رو، بنا بر جایگاه والای نقش مادری در نظام آفرینش و وظایف و مسئولیت‌های مهم او، تربیت دختران برای ایفای این نقش از ضرورتی خاص برخوردار است.

## ۲. تربیت دختران به لحاظ نقش همسری

یکی از اهداف مهم تربیت دختران، تربیت آنان به منظور ایفای نقش همسری و آشنایی با مسئولیت‌های یک زن در قبال همسر خود است. بر اساس آموزه‌های دینی، زنی که به وظایف همسری خود آشنا باشد جزء کارگزاران الهی محسوب می‌شود. مؤید این مطلب روایتی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل گردیده است. مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می‌شوم به استقبال می‌آید و چون خارج می‌شوم بدرقه‌ام می‌کند و زمانی که مرا اندوهگین می‌بیند می‌گوید: اگر برای روزی و مخارج زندگی غصه می‌خوری، بدان که دیگری آن را بر عهده گرفته است و اگر برای آخرت غصه می‌خوری، خدا اندوهت را زیاد کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند در روی زمین عاملان و



کارگزارانی دارد و این زن یکی از عاملان خداست، او نصف پاداش شهید را دارد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۳۲) نیز روایت معروفی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که حضرت می‌فرمایند: «جهاد المرأة حسن التبعل» (کلینی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۵۰۷)؛ یعنی جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.

بنابراین، از مهم‌ترین اهداف تربیتی دختران برای ایفای نقش همسری، تربیت آنها به گونه‌ای است که بتوانند عاملی برای سکون و آرامش همسران خود باشند؛ چراکه قرآن اساسی‌ترین فلسفه و نتیجه تشکیل بنیان مقدس خانواده را آرامش و آسایش و تحکیم پیوند محبت و مودت معرفی می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.» (روم: ۲۱)

### ۳. تربیت دختران به لحاظ بعد احساسی و عاطفی

پرورش عاطفی برای دختران از ضرورت بیشتری برخوردار است؛ چراکه دختران امروز مادران آینده‌اند و رشد عواطف برای زنان به دلیل ایفای نقش همسری و بخصوص نقش مادری ضروری است. از سوی دیگر، دختران نسبت به پسران از عواطف و احساسات بیشتری برخوردارند.

عاطفه و احساس سرشار زن، یکی از وجوه اختلاف بین زن و مرد است و وجود این عاطفه در زن به سبب همراهی و تعهد دائمی او نسبت به کودک و پاسخ‌گویی به احساسات کودک است. به همین خاطر است که تصمیم‌گیری و تعقل که برای مرد آسان است، برای او دشوار می‌شود. (عبدالمنعم، ۱۹۸۵، ص ۶۹) بنابراین، از سویی، حفظ و احیای عواطف و تحسین آن در دختران و از سوی دیگر، پرورش دختران در این زمینه برای درک جایگاه عواطف و رعایت جایگاه

آن در رابطه با قوای دیگر بخصوص قوای عقلی به نحوی که احساسات جای تفکر و اندیشه را نگیرد ضروری است.

از جلوه‌های بروز عواطف، گریه، ترس، خشم، محبت و شادمانی است که این جلوه‌ها در دختران نسبت به پسران عمیق‌تر و مصداق آن بیشتر است؛ در حالی که اصل وجود همه اینها نه تنها نامطلوب نیست، بلکه لازمه وجودی انسان‌هاست. (منصورزاد، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶) از این‌رو، پرورش عاطفی دختران در جهت حفظ حد و مرز این امور لازم و ضروری است. اگر وجود محبت در یک مادر ضرورت دارد، محبت‌ورزی بیش از حد از عوامل منفی در سازندگی است. اگر وجود ترس در دختران دور از ذهن نیست، ترس از حیوانات خانگی یا حشرات و عجز از دفاع از خویشتن در مقابل مخاطرات که در وهله اول قدرت شجاعت و شهامت می‌طلبد، یک نقصان است، و وجود شهامت در دختران در چنین شرایطی در دفاع از حقوق اولیه خود در جامعه یک ضرورت است. اگر وجود لطافت رفتاری در حوزه خانواده و در مقابل همسر لازم است، ارائه چنین رفتاری در جامعه نامطلوب و وجود جدیت در حرکات و کلام در رفتار اجتماعی ضروری است. بنابراین، تعیین مرزهای این تفاوت‌ها گاه بسیار ظریف است و رعایت آنها در جریان تربیت، از اهمیت کلیدی برخوردار است و تربیت احساسی در دختران باید در پی رفع نقصان‌هایی باشد که در این زمینه در دختران وجود دارد. (معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸، ص ۲۹)

در آموزه‌های دینی، روح لطیف و عاطفی دختران همواره مورد توجه قرار گرفته است. امام رضا علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید: «انّ الله تبارک و تعالی علی الاناث ارق منه علی الذکور» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۶۷)؛ خداوند متعال نسبت به دختران مهربان‌تر از پسران است.

#### ۴. تربیت به لحاظ رشد ادراک و تعقل

اصولاً مشکل ضعف در استفاده از قوای فکری مشکلی عام است و دامنگیر اکثریت خانواده‌ها و زنان و مردان جامعه می‌باشد؛ زیرا خانواده‌ها پیش از آنکه روش زندگی را بر تفکر بنا کنند، با تقلید از گذشتگان و اطرافیان زندگی می‌کنند. اما هرگاه مراتب دور شدن از اندیشه و تعقل را در نظر بگیریم، از آن‌رو که تربیت دختران در خانواده‌ها جهت‌گیری احساسی عاطفی داشته و آنها بیش از پسران به اطاعت و پذیرش تشویق می‌شوند و نیز فرصت تجارب محدودتری را در برخورد با موقعیت‌های جدیدی دارند که می‌تواند زمینه‌ساز دانستن و تأمل شود، زمینه ایجاد چنین اشکالی در زنان نسبت به مردان بیشتر است. (معاونت پرورشی، ۱۳۷۸، ص ۳۲)

بنابراین، این بعد تربیت برای همه انسان‌ها ضروری است، ولی برای دختران ضروری‌تر است؛ زیرا آنان در آینده مادران اجتماع‌اند و اجتماع آینده به تفکر و تعقل بیش از دیگر امور نیازمند است. از این‌رو، فکر و خرد دختران را باید نیکو تربیت کرد تا آنها بتوانند خود را از گمراه‌شدن و فریب‌خوردن دور نگه دارند و جنبه قوی عاطفی که در وجودشان برای ادامه حیات و تربیت نسل ضروری است سبب گمراهی و لغزش آنها نشود.

#### اصول تربیتی دختران

اصول تعلیم و تربیت، مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که باید راهنمایی مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین در کلیه اعمال تربیتی باشد. (شریعتمداری، ۱۳۷۹، ص ۸۱)

اصل، ابزار کار مربی و گاه مربی است تا به وسیله آن به هدف تربیتی خود

برسند و هر اصلی متناظر با هدفی است و اصول خاصی را باید برای هدف‌های خاص به کار برد. (رفیعی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۳۰)

دسته‌ای از اصول تربیتی برگرفته از حقیقت وجود انسانی است که شامل زن و مرد می‌شود. از این رو، رعایت این اصول تربیتی برای دختران و پسران - هر دو - ضرورت دارد. برخی از این اصول\* عبارتند از:

۱. **اصل تسهیل و تیسیر:** فعل تربیتی رشددهنده، باید از سخت‌گیری و خشونت به دور و بر سهل‌گیری و ملایمت استوار باشد.

۲. **اصل تدرج و تمکن:** باید در تمام مراحل تربیت، تمکن و توانایی افراد در نظر گرفته شود و آنان را به تدریج به سوی کمال سوق داد.

۳. **ایجاد محیط و زمینه سالم تربیتی:** محیط مساعد تربیتی محیطی است که عاری از عوامل انحطاط و سردرگمی و سرشار از ایمان باشد. (احمدی، ۱۳۷۲، ص ۲۴۹)

۴. **رعایت عدالت و مساوات:** از وظایف مهم مربی این است که بین افراد متربی به رعایت مساوات پردازد. این حق مرزی میان دختر و پسر نمی‌شناسد و همه را یکسان می‌داند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«اتقوا لله واعدلوا بین اولادکم کما تحبون أن یبروکم» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۱، ص ۹۲)؛ از خدا بترسید و بین فرزندانان با عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که دوست دارید آنان به شما نیکی کنند!

برنامه‌های تربیتی اسلام برای رسیدن انسان به هدف نهایی، برای زن و مرد متفاوت است و این تفاوت - همان‌گونه که پیش‌تر بدان اشاره شد - ناشی از تفاوت در شرایط جسمی و روحی، شرایط اجتماعی و وظایف و نقش‌های متفاوت آن دو

---

\* این اصول برگرفته از کتاب سیری در تربیت اسلامی تألیف آقای مصطفی دلشاد تهرانی است.

می‌باشد. بنابراین، دسته‌ای از اصول تربیتی بر اساس شرایط خاص دختران، بر تربیت آنها حاکم است یا دست کم برای تربیت آنها ضروری‌تر است. در ذیل، به برخی از این اصول اشاره می‌شود:

### ۱. اصل پذیرش

یکی از مهم‌ترین اصول تربیت دختران این است که پدر و مادر، فرزند دختر را به عنوان نعمتی الهی پذیرا باشند و در تربیت و احترام به او اهتمام ورزند.

در روزگاری که دختر، بی‌ارزش‌ترین موجود بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به لزوم تربیت و صیانت او امر فرمود و با تدابیر عاقلانه‌ای، مردم را متوجه حیثیت انسانی او نمود. نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله را به تولد فاطمه علیها السلام بشارت دادند. در این حال، حضرت که در چهره اصحابش غم و ناراحتی دید، خطاب به آنها فرمود: «ما لکم ریحانه أشمها و رزقها علی الله» (صدوق، ۱۳۶۴، ص ۲۰۲)؛ شما را چه می‌شود؟ چرا ناراحت شدید؛ این دختر گلی است خوشبو که بویش را احساس می‌کنم و روزی‌اش نیز بر خداست.

عملکرد رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه احترام و تربیت دختران، خود الگو و اسوه امت اسلامی بوده است. از عایشه نقل شده است که پیامبر همواره گلوی

فاطمه علیها السلام را می‌بوسید و آن را می‌بویید. (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۴۹)

ایشان در مورد ناراضی بودن از به دنیا آمدن دختران می‌فرمایند: «لاتکرهاوا البنات فانهن المونسات» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۴، ص ۹۹)؛ از دختران کراهت نداشته باشید که مونس خوبی هستند.

## ۲. تعریف واقع‌بینانه از جنسیت، لوازم و تبعات آن

هویت جنسی (Genderidentity) به احساس مردانگی یا زنانگی هر فرد اطلاق می‌شود. (کجیاف، ۱۳۷۸، ص ۱۳) به عبارت دیگر، آگاهی فرد از مرد یا زن بودن خویش را هویت جنسی می‌نامند. یک فرد زمانی به اختلال هویت جنسی دچار است که در احساس خود از هویت جنسی خویش دچار سردرگمی و ابهام باشد و چنین وضعیتی به پریشانی وی یا بروز اختلال‌های عمده در کارکردهای اجتماعی، شغلی یا سایر زمینه‌های زندگی او منجر شود. (نیکخو، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷) از این‌رو، حفظ هویت جنسی برای پسران و دختران - هر دو - لازم است.

بر اساس یافته‌های یک پژوهش، ۸/۸۴ درصد گروه نمونه انتخاب شده، از دختر یا پسر بودن خود راضی هستند، اما ۸/۲۵ درصد دختران و ۸/۳ درصد پسران از جنس خود راضی نیستند. میزان رضایت از جنس در دختران و پسران تفاوت معناداری نشان می‌دهد. تقریباً نیمی از دختران (۴۹ درصد) و پسران (۴۶ درصد) جنس را عاملی برای پیشرفت تلقی کرده‌اند، در حالی که ۴۵ درصد دختران و تنها ۹ درصد پسران جنس را مانع پیشرفت دانسته‌اند.

(ظهره‌وند، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳)

از سوی دیگر، جنبش‌های دفاع از حقوق زن، جوامع را دچار دگرگونی اساسی کرده و در کار و فعالیت هر دو جنس هرج و مرج و بی‌نظمی به وجود آورده است. هدف مورد نظر فمینیست‌ها، با وجود اختلاف فراوان بین آنها، جامعه‌ای است که در آن تفاوت‌گذاری بر اساس جنسیت جای خود را به تشابه و همسانی در حقوق، امکانات و فرصت‌ها بدهد تا آرمان «برابری و بر خورداری از رفاه مادی» تحقق

یابد. (کاظمی، ۱۳۸۲، ص ۴۹)

از این‌رو، دختران باید در شناخت جنسیت خودشان یاری شوند، به گونه‌ای که به لطافت جنس خود افتخار کنند و از دختر بودن خود قلباً خشنود باشند. در کل، تربیت باید به طور قاطع به دختران بیاموزد که به کدام‌یک از دو جنس تعلق دارد و به خاطر دختر بودن خود، چه تکالیف و وظایفی را عهده‌دار است.

### ۳. درک و شناخت تحولات و شرایط بلوغ

بلوغ جنسی در دختران زودتر از پسران است. مقدمات رشد آن در دختران از حدود ۹ سالگی و اوج رشد آن در ۱۸ سالگی است. مهم‌ترین علامت بلوغ در دختران، همان بروز قاعدگی است که در سنین ۱۲ تا ۱۳ سالگی شروع می‌شود. (قائمی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۲)

از این‌رو، هنگامی که دختر به سن ۹ تا ۱۲ سالگی پا گذاشت، باید آمادگی لازم را برای تغییرات ناشی از بلوغ داشته باشد. در این دوره لازم است اطلاعاتی کافی به دختران داده شود تا آنها آماده پذیرفتن این تغییرات باشند. تشریح این‌گونه مطالب برای دختران پیش از رسیدن به مرحله بلوغ کامل جسمی ضروری است؛ چرا که در غیر این صورت، ممکن است در برخورد با این مسئله دچار ترس و آشفتگی شوند. (انوشه، ۱۳۷۴، ص ۸۷)

از سوی دیگر، دختران در این دوران بر اساس تغییرات بلوغ و بحران هویت، رفتار ناسازگار گونه‌ای دارند. دختران جوان در این دوره بسیار حساس و زودرنج هستند، برای قضاوت‌های دیگران راجع به خود اهمیت زیادی قایلند و در برابر انتقادهای نمی‌توانند خود را کنترل کنند. در این دوران، دختران کمتر منطقی فکر می‌کنند و بیشتر تقاضاهایشان بر اساس عواطف و احساسات صورت می‌گیرد، از این‌رو، از واقعیت‌گریزانند و بیشتر به رؤیاهای و تخیلات شیرین خود پناه می‌برند!

بنابراین، ارتباط صحیح دختران با والدین و بخصوص مادر، لازم و ضروری است تا اینکه این دوران توأم با سلامتی آنها سپری شود و دختر جوان از این سن پرآشوب بگذرد و به او کمک شود تا به استقلال همه جانبه برسد. (راشدی، ۱۳۷۷، ص ۶۷)

#### ۴. ایجاد ملکه عفاف و تأکید بر حیا و حجاب

یکی از اصول رفتاری مؤکد در نظام تربیتی اسلام برای دختران، ایجاد ملکه عفاف است. قرآن کریم خطاب به زنان مؤمن می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُوهِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...» (نور: ۳۱)

همچنین در قرآن، خداوند خطاب به زنان پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که الگو برای سایر زنان بوده‌اند، می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)؛ یعنی: با مردان بیگانه طوری با نرمی و ملایمت صحبت نکنید که موجب طمع مردان درباره شما گردد، بدان‌سان که زنان برای جلب رغبت مردان صحبت می‌کنند. (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰ ق، ج ۷، ص ۲۹)

خداوند متعال در قرآن کریم مسئله عفت و پاکدامنی حضرت مریم را مورد توجه ویژه قرار داده و آن را عامل دمیده‌شدن روح الهی در او معرفی کرده است: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا وَكَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ...» (تحریم: ۱۲)

علت تأکید اصل عفاف در زنان و دختران به خاطر شرایط جسمی و روحی آنهاست. میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است و به تعبیر شهید



مطهری، از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از همین حس شکارچیگری او ناشی می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۸۸)

بنابراین، رعایت این اصل در دختران قبل از حضورشان در جامعه لازم و ضروری است. از زمینه‌ها و در عین حال، از آثار عفاف، احساس حیا و شرم از انجام کارهای زشت است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) حیا را سبب عفت می‌نامند: «سبب العفة الحياء» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵۵۲۷، ص ۲۵۷) و هر قدر این احساس شرم از زشتی‌ها در انسان بیشتر باشد، عفت او نیز بیشتر خواهد بود.

بررسی ویژگی‌های زنان نمونه در قرآن، نشان می‌دهد که حیا و نجابت از مهم‌ترین خصایص آنها به شمار می‌رود و سیمای آنان گویای این حقیقت است که آنان در رویارویی با مردان بیگانه از شرم و حیای خاصی برخوردار بوده‌اند.

یکی از برنامه‌ها و تکالیفی که اسلام برای حفظ عفاف زن مورد تأکید قرار داده است، مسئله لزوم رعایت حجاب و پوشش است. حجاب به معنای پوششی خاص برای زن، امری است که اسلام آن را با ابعادش روشن ساخته است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.» (احزاب: ۵۹)

علت اختصاص این نوع حجاب به زنان این است که زنان و مردان در برخی خصلت‌ها یکسان نیستند و بر این اساس، احکام متفاوتی برای آنها وضع شده است. از همین مقوله است تفاوت زن و مرد در تحریک غریزه جنسی. مردان زودتر از زنان برانگیخته می‌شوند؛ بسیاری از چیزهایی که برای مردان مهیج است، زنان را به تهییج و نمی‌دارد. بر این پایه، اگر قانون پوشش برای آن است که زمینه‌های تهییج جنسی در غیر محیط خانواده از میان برود، این واقعیت‌های متفاوت احکام ویژه‌ای را به دنبال می‌کشد. (مهریزی، ۱۳۷۹، ص ۷۷)

## ۵. تبیین خطر تحریف زیبایی‌گرایی در دختران به تجمل‌گرایی و

### خودنمایی

همزمان با فرا رسیدن روزهای جوانی و آشکار شدن زیبایی‌های جوانی، تمایل به خودآرایی نیز به طور طبیعی در فکر دختر جوان بیدار می‌شود و آنان را شیفته آرایش و خودسازی می‌کند. به عبارتی دیگر، عوامل بلوغ، خود به خود به دختر جوان طراوت و جمال طبیعی می‌بخشد و از طرف دیگر، در باطن آنها عشق تزئین و خودآرایی ایجاد می‌نماید و به تجمل و جلوه‌گری علاقه‌مندشان می‌کند.

(القصیر، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۳۴)

در این زمان است که اگر دختران با آموزه‌های دینی تربیت نشده باشند، این تمایل درونی آنها به مرز جنون می‌کشد و محیط خانه و مجالس خانوادگی را برای ارضای این نیاز کافی نمی‌دانند و هر عامل بازدارنده از جمله حجاب را عامل ناکامی خود می‌دانند. (نخعی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲)

اسلام، زن را به خودآرایی و عطر زدن در مقابل همسرش سفارش نموده است. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «جهاد المرأة حسن التبعل و قال لتطیب المرأة المسلمة لزوجها» (صدوق، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۶۲۰)؛ جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است و زن مسلمان باید خود را برای همسرش خوشبو کند. در عین حال، تزئین زنان در برابر نامحرمان را نفی کرده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر زنی که برای غیر شوهرش خود را خوشبو کند، هیچ نمازی از وی پذیرفته نخواهد شد تا اینکه همانند غسل جنابت، خود را از آن بو شستشو دهد. (صدوق، ۱۴۱۳ ق،

ج ۳، ص ۴۴۰)

انتقاد قرآن کریم به مشرکان در دختر شمردن فرشتگان یا نسبت دادن فرزند دختر به خداوند در آیه ۱۸ سوره «زخرف» بیانگر همین مسئله است: «أَوْ مَن

يُنشَأُ فِي الْحَلِيَّةِ وَ هُوَ فِي الْحِصَامِ غَيْرُ مُيِّنٍ.» لحن آشکار انتقاد آمیز در این آیه به واسطه سوء رفتاری بود که در جاهلیت با زنان و دختران می‌کردند و آنان را درست تربیت نمی‌نمودند. خداوند از روی تعجب می‌فرماید: چگونه چنین مخلوقی را به فرزندی خدا نسبت می‌دهند که زندگی‌اش به آرایش و خودنمایی می‌گذرد و مرد میدان جدال و مقابله با خصم هم نمی‌باشد. (میرزاخسروانی، ۱۳۹۰ ق، ج ۷، ص ۳۹۱)

#### ۶. ایجاد آمادگی برای ازدواج

اسلام به پدران و مادران توصیه می‌کند که موجبات ازدواج فرزندان و بخصوص دختران را زودتر فراهم کنند، و آن را حق دختران قرار داده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، ان جبرئيل اتاني عن اللطيف الخبير، فقال الابكار بمنزلة الثمر على الشجر، اذا ادرك ثمره فلم يجتنى، افسدته الشمس و نثرته الرياح و كذلك الابكار اذا ادركن ما يدرك النساء فليس لهن دواء البعولة و الا لم يؤمن عليهن الفساد لانهن بشر» (کلینی، بی‌تا]. ج ۵، ص ۳۳۷)؛ ای مردم! جبرئیل از جانب خدای لطیف و آگاه بر من وارد شد و گفت: دختران باکره همچون میوه بر درختند. اگر میوه برسد ولی آن را نچینند، خورشید آن را فاسد کرده و یا آن را سقوط می‌دهد. دختران نیز چنین‌اند، به هنگامی که برسند به آنچه که زنان می‌رسند، چاره‌ای جز این نیست که شوهر کنند. در غیر این صورت، از فساد آنان ایمن نتوانی بود؛ زیرا آنها هم بشرند.

پدر و مادر باید از هرگونه سخت‌گیری در امر ازدواج دختران خود بپرهیزند. امروزه از جمله عوامل فرهنگی روسپی‌گری فاصله گرفتن جامعه اسلامی در

مسئله ازدواج و پذیرش فرهنگ‌ها و معیارهای مغایر با آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی است. در حالی که فرهنگ اسلامی بر «دقت در عین سهولت» در امر ازدواج و تشکیل خانواده بر مبنای «هم‌طبقگی و کفویت» تأکید می‌کند، جامعه ما، راه را برای ازدواج دختران دشوار کرده و به علاوه، دقت لازم مورد نظر اسلام را نیز به فراموشی سپرده است. (رستم‌خانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳)

علی بن اسباط نامه‌ای به حضرت امام باقر علیه السلام نوشت و مسئله ازدواج دخترانش را مطرح ساخت که کسی همانند خود و هم‌پایه خود نمی‌یابد. امام علیه السلام در جواب او نوشت: «مقصودت را از آنچه که درباره دخترانت برایم نوشته بودی و اینکه کسی را همانند خودت پیدا نمی‌کنی دریافتم. خداوند تو را رحمت کند، در این‌باره فراوان میندیش؛ زیرا پیامبر فرمود: اگر کسی به خواستگاری آمد که اخلاق و دیانت او مورد رضایت و پسند شما بود، دخترتان را به همسری او درآورید و اگر اقدام نکنید هر آینه فتنه و فساد بزرگی در جامعه پدید خواهد آمد.» (کلینی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۳۴۷)

#### ۷. ایجاد آمادگی برای ایفای نقش همسری

از اصول مهم تربیتی دختران ایجاد آمادگی در آنها برای ایفای نقش همسری است. برای حفظ نظام خانواده و تأمین نیازهای آن و نیز برخورداری از یک کانون پر از محبت و صمیمیت، لازم است که زنان و مردان نسبت به وظایف و مسئولیت‌های خود به خوبی واقف باشند. اسلام، زن و مرد - هر دو - را در قبال خانواده خود مسئول دانسته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الرجل راع علی اهل بینه و هو مسئول عنهم فالمرءة راعیة علی اهل بینها بعلها و ولدها و هی مسئولة عنهم ألا کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴،

ص ۲۴۸)؛ مرد نگهبان و مسئول خانواده خود است و زن نیز نگهبان و مسئول خانواده، همسر و فرزندش. آگاه باشید! همه شما مسئول افراد تحت تکفل خود هستید. مهم‌ترین خدمت به دختران، آشنا کردن آنها به حقوق و وظایفشان است؛ چراکه عدم آگاهی نسبت به آن طبیعت زناشویی را به مبارزه و منازعه تبدیل می‌کند.

ازدواج عامل مهمی است که سبب ایجاد حق و تکلیف می‌شود و آگاهی به این حقوق و تکالیف در زندگی زناشویی سبب می‌شود که مرز مسئولیت‌ها مشخص شود، رعایت عدالت امکان‌پذیر گردد، نوع توقعات از یکدیگر معلوم شود و اجرا و تقسیم وظایف ممکن گردد. (قائمی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶)

به طور کلی، اصول تربیتی لازم برای دختران به منظور ایفای نقش همسری عبارتند از:

- ترسیم تصویری جامع از اهمیت خانواده و چگونگی نظام آن در مسیر هدایت انسان و نحوه درست اداره آن؛

- ایجاد روح احترام و پذیرش در دختران نسبت به مسئولیت سرپرستی خانواده که بر عهده مرد است؛

- آشناسازی و آماده‌سازی برای گرم و مطبوع نگاه داشتن کانون خانواده؛

- هشیارسازی در اینکه نباید در نقش همسری خلاصه شد و دیگر جنبه‌های وجود را معطل گذاشت؛

- توجه به اینکه در هر نقش یک رابطه طرفینی وجود دارد و انعطاف در نحوه ایفای نقش لازم است، اما تا آنجا که جهت‌گیری آن در راستای هدف حیات دچار انحراف نگردد. (معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸، ص ۴۲-۴۶)

## ۸. ایجاد آمادگی برای ایفای نقش مادری

از مهم‌ترین نقش‌هایی که دختران در جامعه ایفا می‌کنند نقش مادری است. از این‌رو، یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی دختران، ایجاد آمادگی در آنها برای ایفای این نقش است.

پیش از هر چیز باید درک روشنی از پدیده مادری و تحولات وجودی زن برای ارتقا به مقام مادری، به دختران ارائه گردد. در واقع، تفهیم عظمت مادری برای ایجاد احساس معنوی و روحانی درباره مقام مادری، احساس عظمت در زن به واسطه به عهده گرفتن نقش مادری و همچنین برانگیخته شدن احساس احترام و قدرشناسی نسبت به مادر در دختران لازم و ضروری است. (معین‌الاسلام، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹)

از طرفی، لازم است که دختران را از عمق تأثیرات مادر بر فرزند و جوانب مختلف این تأثیرات آگاه کرد. یکی از محققان مسلمان در این باره می‌گوید:

مادر مسئولیت‌های پرورشی ویژه‌ای دارد که مرد از آن محروم است. خدای سبحان وظایفی را به مدت سی ماه برای مادر مقرر نموده است که در این مدت که کودک مستقیماً از او تغذیه می‌کند، مسئول حفظ دو نفر و دارای دو تکلیف است. یکی برای خود و دیگری برای کودک، هم در زمینه تغذیه جسمانی و هم روحانی. پدر باید اصل نطفه کودک را از غذای حلال تأمین کند و پس از آن، اگر حرام‌خوار شد ارتباط تنگاتنگی با پرورش کودک ندارد؛ زیرا غذای حرام پدر در جهاز گوارشی او هضم می‌شود، اما غذای مادر در دستگاه گوارشی او به شیر تبدیل می‌شود و کودک تغذیه می‌کند. اینها مربوط است به غذاهای جسمانی، اما در غذاهای روحانی نیز

چنین است. اگر مرد خاطره بدی در سر پیروrand خود را می‌سوزاند، اما خیال باطل و اندیشه گناه یک زن، علیه دو نفر خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۶)

### روش‌های تربیتی دختران

در امر تربیت، اتخاذ روش‌ها باید به گونه‌ای باشد که زمینه را برای هدف کلی و غایی تربیت، یعنی رساندن به مرحله کمال و عبودیت، برای انسان، اعم از زن و مرد، فراهم کند. از سوی دیگر، به دلیل وجود تفاوت‌های فیزیولوژیک و فطری زن و مرد و تفاوت در ساختار روحی و عاطفی آن دو، لازم است که در امر تربیت موضوع‌گیری‌ها و اتخاذ روش‌ها به گونه‌ای باشد که دربرگیرنده مقتضیات فطری و طبیعی و ضرورت‌های اجتماعی و مصالح فردی باشد.

در عین حال که در تربیت دختران و پسران ممکن است شیوه‌های واحدی به کار رود، اما در چگونگی به کارگیری این شیوه‌ها برای پسران و دختران به خاطر تفاوت‌های جسمی و روحی‌شان تفاوت‌هایی وجود دارد که این تفاوت‌ها گاه در کیفیت و گاه در کمیت استفاده از این روش‌هاست. بنابراین، در بیان هر روش تربیتی، به بیان ملاحظات و مسائل مربوط به آن روش از سوی متون دینی در خصوص تربیت دختران خواهیم پرداخت.

#### ۱. تکرار، تمرین و عادت دادن

عادت دادن از جمله روش‌های تربیتی است که نقش عمده‌ای را در یادگیری دارد. عادت دادن افراد به رفتار پسندیده مستلزم این است که برنامه‌ای مستمر برای تمرین و تکرار وجود داشته باشد. (احمدی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «تولّوا من أنفسکم تأدیبها و اعدلوا بها عن ضراوة عاداتها»؛ خود عهده‌دار تأدیب نفس خود باشید و عنان آن را رها نکنید تا بی‌اختیار شما به چیزی عادت کند و او را از مسیر خوگرفتن با عادات ناشایست بگردانید. (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۵۱)

روش تکرار و تمرین و عادت دادن می‌تواند به عنوان یک روش تربیتی برای فرزندان پسر و دختر - هر دو - مفید و مطلوب باشد. اما استفاده از این روش برای دختران در سنین پایین‌تر و پیش از مکلف‌شدن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آن‌رو که دختران در سن ۹ سالگی مکلف می‌شوند، یکی از اهداف مهم تربیتی برای آنها، ایجاد آمادگی برای تکلیف‌پذیری است. این امر باید طبق برنامه‌ای دقیق و منظم، ولی به تدریج صورت گیرد. از این‌رو، برای اینکه دختران یکباره و بدون آمادگی قبلی با انبوهی از تکالیف دشواری که خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانند مواجه نشوند، تمرین و تکرار پیش از رسیدن به این سن برای انجام این تکالیف ضروری و لازم است.

والدین، بخصوص مادر، باید دختر خود را از همان سنین کودکی به نماز خواندن، روزه گرفتن و رعایت حجاب و پوشش عادت دهند تا انجام این امور به هنگام مکلف شدن برای او راحت‌تر باشد.

در عین حال، در این زمینه باید دقت و ظرافت بیشتری را به خرج داد تا استفاده از این روش توأم با فشار و سخت‌گیری زیاد بر دختران در سنین کودکی نباشد؛ چراکه این امر موجب از بین رفتن نشاط و علاقه آنها نسبت به انجام این امور می‌گردد.

از سوی دیگر، لازم است والدین به موازات رشد قوای عقلانی دخترانشان، به تدریج به آنها نسبت به انجام این تکالیف آگاهی و بینش بدهند تا عمل آنها



صرفاً از روی عادت نباشد، بلکه از روی تفکر و تعقل صورت گیرد. علاوه بر این، به منظور ایجاد آمادگی در دختران برای انجام وظایفی که در آینده عهده‌دار آن خواهند شد (مانند مدیریت خانواده، انجام وظیفه مادری، مراقبت از فرزندان و تربیت آنها، گرم نگه داشتن کانون خانواده) می‌توان از این روش بهره برد. از این رو، مادران می‌توانند انجام کارهایی نظیر تهیه غذا، نظافت منزل و مراقبت از فرزندان را گاهی اوقات بر عهده دختران خود بگذارند تا آنها آمادگی‌های لازم در از این زمینه کسب کنند.

## ۲. روش الگویی

انسان به فطرت خود که عشق به کمال مطلق است، الگوظلب و الگوپذیر است و بدین سبب، یکی از بهترین روش‌های تربیت ارائه نمونه و تربیت عملی است. آنچه مهم است این است که هر سن و هر جنس الگوهای خاص خود را می‌طلبد. در تربیت الگویی دختران، مادران نقش بسزایی دارند. از آن رو که دختران همواره با مادران همراه هستند و آنها را به عنوان الگو برای خودشان قرار می‌دهند، بنابراین، اخلاق مادر، معنویت او، عفت و پاکدامنی‌اش، رابطه‌اش با همسر، چگونگی موضع‌گیری‌اش در ایفای نقش مادری، کیفیت مدیریت او در خانواده، چگونگی روابط اجتماعی مادر و برخورد او با نامحرم، می‌تواند الگوی کامل و جامعی برای دختر باشد.

قرآن کریم در عین حال که از روش‌های گوناگون تربیتی استفاده می‌کند، همواره تأکید خاصی بر روش الگویی داشته است. این کتاب آسمانی برای تمام ابعاد زندگی یک زن، از جمله ابعاد اعتقادی و عبادی، بعد اخلاقی و پرورشی و ابعاد اجتماعی او، به ارائه الگو می‌پردازد.

قرآن با بیان سرگذشت همسر فرعون و دعای او که نجات از فرعون و کردار ظالمانه او را از خدا مسئلت کرده بود، به اثبات هویتی مستقل فکری زنان پرداخته است (حسین خانی، ۱۳۸۲، ص ۲۸): «... قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ...». (تحریم: ۱۱)

در بعد عبادی، خداوند حضرت مریم را به عنوان الگو برای تمام زنان و دختران معرفی می‌کند: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْعَمَلِ الْإِسْلَامِ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ». (تحریم: ۱۲)

همچنین در بعد اخلاقی و عفاف، خداوند از حضرت مریم سخن به میان می‌آورد؛ هنگامی که جبرئیل بر او وارد می‌شود و او به خدا پناه می‌برد: «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (مریم: ۱۸) در بیان چگونگی ارتباط با نامحرم، قرآن کریم دختران شعیب را به عنوان نمونه و الگو معرفی می‌کند که خداوند در آیات ۲۳ تا ۲۷ سوره «قصص» به بیان سرگذشت آنها می‌پردازد.

خداوند در بیان این داستان، طریقه راه رفتن دختر حضرت شعیب به سوی حضرت موسی عليه السلام را این‌گونه توصیف می‌کند: «تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ». در واقع، این بیان به چگونگی راه رفتن دختران پاکدامن و عقیف می‌پردازد. (سید بن قطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۶۸۶)

الگوگیری از نمونه‌های معرفی شده در قرآن، ضامن رهنمون شدن دختران به سوی زندگی سعادت‌مندانه است.

### ۳. روش محبت

هیچ روشی همچون روش محبت در تربیت انسان مؤثر نیست. این روش با خلق و فطرت انسان تناسب دارد و در امر تربیت نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند.

خداوند، پیامبر گرامی‌اش را به روش محبت آراسته بود و آن حضرت با چنین روشی در تربیت انسان‌ها توفیق یافت، «فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا مِنْ حَوْلِكَ.» (آل عمران: ۱۵۹)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اکثروا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَاَنْ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ» (فتال نیشابوری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۱۹)؛ فرزندان خود را بسیار ببوسید که با هر بار بوسیدن، در بهشت مقام و مرتبتی فراهم می‌شود.

درباره استفاده از این روش تربیتی برای دختران، گفتنی است آنها پیش از آنکه از هر روش تربیتی مانند عادت، تکریم و احترام و موعظه و نصیحت تأثیر بگیرند، به محبت خالصانه نیاز دارند؛ چراکه محبت غذای روح و جسم آنهاست و استعدادهایشان را بارور می‌سازد. از اصیل‌ترین و مهم‌ترین احتیاجات روانی دختران برخورداری از محبت است. فرزندان دختر باید احساس کنند که والدین با آنان صمیمی و مهربان هستند و آنان را یاری می‌کنند تا بعدها مسائل خود را با آنها در میان بگذارند. کمبود محبت در دختران سبب ناهنجاری‌های عاطفی و روانی می‌گردد و زمینه را برای آشفتگی روحی و بزهکاری‌های اجتماعی آنان در آینده فراهم می‌سازد.

از جمله عوامل روان‌شناختی - تربیتی روسپی‌گری که با تحقیقات علمی نیز به اثبات رسیده است، عدم ارضای نیازهای عاطفی و روانی دختران است؛ چراکه جنبه احساسی و عاطفی دختران بیش از پسران است و در صورتی که منبع تأمین این نیاز را داخل خانه و توسط پدر و مادر در نیابند احتمال اینکه آن را در خارج از خانه و از افراد نا اهل و به شیوه‌های نامشروع جست‌وجو کنند، وجود دارد. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷)

اسلام در به کارگیری این روش برای تربیت دختران تأکید فراوان نموده است.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها الى عياله كان كحامل صدقة الى قوم محاييج و ليبدأ بالاناث قبل الذكور فأنه من فرّح انثى فکانما اعتق رقبة من ولد اسماعيل» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۵۱۴)؛ هرکس به بازار رود و برای خانواده تحفه‌ای تهیه کند، همچون کسی است که برای نیازمندان و رفع نیازشان بار صدقات به دوش کشیده و به خانه می‌برد، و باید در دادن تحفه به دختران آغاز کنید؛ زیرا هرکس دختر بچه‌ای را خوشحال کند مانند این است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است.

سیره عملی پیامبر ﷺ هم بیانگر اهمیت این روش تربیتی است. نقل شده است: حضرت هرگاه قصد سفر می‌کردند، آخرین کسی را که به دیدارش می‌رفتند فاطمه علیها السلام بود و موقع بازگشت از سفر، اولین کسی که به دیدنش می‌رفتند فاطمه بود. (طبرسی، ۱۴۱۸ ق، ص ۹۴)

#### ۴. بازی

بازی برای کودکان راهی است برای کشف استعدادها، آشنایی با محیط، کسب تجربه زندگی، تحصیل مهارت‌ها، به کارگیری انفعالات و تحصیل عاطفه، آشنایی با روابط اجتماعی، آشنایی با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و آموزش به طریق غیر مستقیم. از آن‌رو که کودکان در این دوران از انرژی و جنب و جوش فوق‌العاده‌ای برخوردارند و نمی‌توانند مدت زیادی را در فضای محدود به تمرکز قوای ذهنی بپردازند، از طریق بازی، یادگیری به سهولت و به دور از تحمل شرایط خشک و سخت کلاس صورت می‌گیرد. (فرهادیان، ۱۳۷۷، ص ۲۵۶)

از این‌رو، ائمه معصومین علیهم السلام بر همبازی شدن با کودکان تأکید داشتند. شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه از پیامبر ﷺ روایت می‌کند: «من کان عنده صبی

فلیتصاب له» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۳)؛ هرکس کودکی داشته باشد باید با وی کودکانه رفتار کند.

بازی به عنوان یک روش تربیتی برای دختر و پسر - هر دو - ضروری است. اما نوع بازی‌هایی که دختران و پسران به آن علاقه‌مندند متفاوت می‌باشد. پدر و مادر باید با در نظر گرفتن موقعیت سنی و جنسیت کودک خود، وسایل بازی و سرگرمی متناسبی برای او تهیه کنند.

عروسک‌بازی دختران همیشه مرسوم بوده و این یک امر طبیعی است؛ چراکه آنها همواره در خانه از پدر و مادر و بخصوص از مادر خود تقلید می‌کنند. بنابراین، با تقلید از خانه‌داری بزرگ‌ترها، خود نیز خانه‌داری را تمرین می‌کنند. (منجرسکایا، ۱۳۷۷، ص ۱۱) «باربی» از جمله عروسک‌هایی است که امروزه نفوذ چشمگیری در بین دختر بچه‌ها دارد، در حالی که این عروسک نماد و سمبل فرهنگ آمریکایی با ویژگی تجمل‌گرایی، مدگرایی و مصرف‌گرایی است که تلاش می‌کند نوع زندگی آمریکایی را به دختران مسلمان تحمیل کند و آنها را با فرهنگ و ارزش‌های خود تربیت نماید. از این‌رو، پدر و مادر وظیفه دارند بر بازی دخترانشان و نوع اسباب‌بازی‌های آنها نظارت و کنترل غیرمستقیم داشته باشند. نحوه بازی یک دختر با عروسکش و ایفای نقش مادری برای او، دقیقاً تقلیدی است از چگونگی ایفای نقش مادری مادر آن دختر. از این‌رو، مادران می‌توانند از طریق مشاهده بازی دخترانشان به نقاط ضعف و قوت خود در تربیت پی ببرند.

##### ۵. قصه‌گویی

از آن‌رو که اسلام به تمایل فطری افراد به داستان واقف است، آن را به عنوان وسیله‌ای برای تربیت و قوام جان‌ها به کار می‌گیرد. (قطب، ۱۳۷۵، ص ۱۱)

در قرآن کریم با ده‌ها قصه زیبا، جالب و آموزنده روبه‌رو هستیم؛ داستان‌هایی که ضمن استفاده از جاذبیت داستان، هدفشان تربیت انسان‌هاست. به دلیل آنکه کودکان با قصه و داستان بیشتر مأنوسند، این روش می‌تواند از شیوه‌های مفید تربیتی در دوران کودکی باشد. از این‌رو، اولیا و مربیان باید داستانی را برای آنها نقل کنند که آموزنده و مفید باشد و نتیجه عمل خوب و بد را برای آنها روشن کند و ارزش‌ها را به آنها بشناساند.

روش قصه‌گویی نیز از جمله روش‌های تربیتی است که برای فرزندان دختر و پسر - هر دو - می‌تواند مفید باشد. والدین و بخصوص مادر، می‌توانند با استفاده از این روش، ارزش‌های الهی، اخلاقی و رفتاری لازم را برای یک زن در نقش همسری یا مادری معرفی کنند. مسئله قابل ذکر در اینجا، علاقه خاصی است که دختران، بخصوص در دوران نوجوانی، به خواندن رمان‌ها دارند. اینکه آیا این رمان‌ها می‌توانند جنبه تربیتی داشته باشند یا نه، بستگی به محتوای آنها دارد. هر چند این رمان‌ها می‌توانند هم حاوی نکات مثبت و آموزنده باشند و هم نکات منفی، ولی به نظر می‌رسد آسیب‌ها و خطرات ناشی از آنها برای دختران بیشتر باشد. اکثر این رمان‌ها یک صحنه عشقی را بیان می‌کنند که هرچند ممکن است آخر آن به وصال منجر نشود، ولی آن صحنه‌ها در ذهن دختران ماندگارترند. یکی از خصلت‌های ذاتی دختران در سنین نوجوانی این است که آنها بیشتر در تخیلات به سر می‌برند تا در واقعیات، و این رمان‌ها به جای اینکه آنها را با واقعیت روبه‌رو کنند بیشتر در تخیلات فرو می‌برند.

از سوی دیگر، دختران با خواندن این رمان‌ها، روابط بین زن و مرد در آنها را به عنوان سمبل برای خود در نظر می‌گیرند و در نتیجه، به مسئله ازدواج و روابط زن و مرد نیز به صورت آرمانی می‌نگرند و این ممکن است برای آنها خطر آفرین باشد.

بیان سرگذشت زنان نمونه تاریخ و زنان نمونه‌ای که در قرآن به آنها پرداخته شده است می‌تواند برای دختران مفید باشد. برای نمونه، سرگذشت دختران شعیب و بیان عفاف و حیای آنها، سرگذشت حضرت مریم و بیان پاکدامنی او، و سرگذشت حضرت یوسف و بیان خویشن‌داری او، همگی می‌تواند برای دختران مفید و مؤثر باشد.

### نتیجه

به طور کلی، بهترین نوع تربیت آن است که دربرگیرنده مقتضای فطرت و خواسته‌های درونی متربی باشد؛ تربیتی که بدان نیاز طبیعی، غریزی و اجتماعی دارد، قادر به بهره‌برداری از آن است، مصالح حیات فردی و اجتماعی در آن ملحوظ است، ارتباط حال و گذشته و آینده انسان در آن مورد توجه است. بر این اساس است که تربیت باید دو جنسی باشد نوع تعلیمات و حدود آن و حتی نوع روش آن و کیفیت ارزیابی و فرم اجرایی برنامه برای پسر و دختر متفاوت گردد. (قائمی، ۱۳۷۴، ص ۴۱)

فرهنگ تربیتی اسلام راه تعالی را برای مرد و زن باز گذاشته است و تعلیم و تربیت اسلامی خاص زن یا مرد نیست. اما آنچه مهم است اینکه اسلام برای دختران و پسران تربیتی متمایز را در نظر گرفته است؛ چراکه آنها را دو گونه خلق کرده و هر کدام را با ویژگی‌های خاص خود آفریده تا بتوانند در کنار یکدیگر مسیر کمال را طی کنند. از این رو، چون برنامه‌ریزی‌های تربیتی باید به گونه‌ای باشد که هر جنس به نقش‌های خود تشویق گردد، آموزه‌های دینی به پرورش متمایز دختران و پسران متناسب با ویژگی‌های تکوینی و وظایف متفاوت بین آن دو توجه داده‌اند و در به‌کارگیری اصول و روش‌های تربیتی، شرایط فیزیولوژیکی و جسمی و ساختار روحی و روانی متربی را با توجه به جنسیت او لحاظ می‌کنند.

## منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۹.
۳. ابن بابویه القمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ الخصال؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.
۴. \_\_\_\_\_؛ ثواب الاعمال؛ چاپ دوم، قم: شریف رضی، ۱۳۶۴.
۵. \_\_\_\_\_؛ من لا یحضره الفقیه؛ چاپ سوم، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
۶. احمدی، احمد؛ اصول و روش های تربیت در اسلام؛ چاپ سوم، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۷. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمّة؛ تبریز: مکتبه نبی هاشمی، ۱۳۸۱.
۸. القصیر، فدی عبدالرزاق؛ المرأة المسلمة بین الشریعة الاسلامیة والاضالیل الغربیة؛ بیروت: مؤسسة الریان، ۱۴۲۰.
۹. انوشه، منیره؛ «رسالت نشریات و مطبوعات در بهداشت دوران بلوغ»؛ سیمای دخترپچه‌ها در جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، تهران: دفتر امور زنان و نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۴.
۱۰. بی‌ریا، ناصر و همکاران؛ روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، چاپ پنجم، قم: بعثت، ۱۳۷۴.
۱۱. تمیمی آمدی؛ غررالحکم؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله؛ زن در آئینه جلال و جمال الهی، قم: اسراء، ۱۳۷۵.
۱۳. حاجی ده‌آبادی، محمد علی؛ «بررسی تحلیلی عوامل تربیتی - فرهنگی روسپی‌گری با چشم‌اندازی به متون دینی»؛ نظام اسلامی و مسئله روسپی‌گری (مجموعه مقالات)، قم: شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۱۴. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل‌البتیة للاحیاء التراث، ۱۴۰۹.



۱۵. حسین‌خانی، هادی؛ تربیت الگویی زنان در قرآن؛ قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲.
۱۶. راشدی، لطیف؛ دانستنی‌های دختران جوان؛ قم: مصطفی، ۱۳۷۷.
۱۷. رستم‌خانی، معصومه؛ «بررسی تأثیر نقش والدین در فرار دختران»؛ روسپی‌گری، کودکان خیابانی و تکدی (مجموعه مقالات)، تهران: آگاه، ۱۳۸۶.
۱۸. رفیعی، بهروز؛ آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن؛ تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۱۹. سید بن قطب؛ فی ظلال القرآن؛ چاپ هفدهم، بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲.
۲۰. شریعتمداری، علی؛ اصول تعلیم و تربیت، چاپ دوازدهم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۲۱. شهرآرا، مهرناز؛ «تحلیلی بر نگرش دختران امروز زنان فردا»؛ سیمای دختر بچه‌ها در جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، تهران: دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۴.
۲۲. صدر، حسن؛ حقوق زن در اسلام و اروپا؛ تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، ۱۳۱۹.
۲۳. طبرسی، ابی‌نصیر؛ مکارم الاخلاق؛ چاپ چهارم، قم: مرکز الرسالة، ۱۴۱۸.
۲۴. ظهروند، راضیه؛ «رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس»؛ پژوهش زنان، ش ۲، ۱۳۸۳.
۲۵. عبدالمنعم، سید حسن؛ طبیعة المرأة فی الكتاب والسنة؛ قاهره: مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۸۵.
۲۶. فتال نیشابوری؛ محمد بن حسن؛ روضة الواعظین، قم: رضی، ۱۳۸۶.
۲۷. فرهادیان، رضا؛ والدین و مربیان مسئول؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۸. قائمی، علی؛ اسلام و تربیت دختران؛ چاپ نهم، تهران: امیری، ۱۳۷۴.
۲۹. \_\_\_\_\_؛ دنیای نوجوانی دختران؛ چاپ دوم، تهران: امیری، ۱۳۷۳.
۳۰. \_\_\_\_\_؛ سازندگی و تربیت دختران؛ چاپ پنجم، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۶.
۳۱. قطب، محمد؛ روش تربیتی اسلام؛ ترجمه محمدمهدی جعفری؛ چاپ پنجم، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵.

۳۲. کاظمی، سید عنایت الله؛ «اسلام و فمینیسم»؛ شخصیت و حقوق زن در اسلام؛ ۱۳۸۲.
۳۳. کجیاف، محمدباقر؛ روان شناسی رفتار جنسی؛ تهران: روان، ۱۳۷۸.
۳۴. کلاین برگ، اتو؛ روان شناسی اجتماعی؛ ترجمه محمدعلی کاردان؛ چاپ پنجم، تهران: اندیشه، ۱۳۵۲.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ ترجمه محمدباقر کمره‌ای؛ چاپ سوم، قم: اسوه، [بی تا].
۳۶. \_\_\_\_\_؛ فروع من الکافی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.
۳۷. گنجی، حمزه؛ روان شناسی تفاوت های فردی؛ چاپ هفتم، قم: بعثت، ۱۳۷۵.
۳۸. \_\_\_\_\_؛ روان شناسی عمومی؛ چاپ پنجم، قم: بعثت، ۱۳۷۴.
۳۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۴۰. محدث نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸.
۴۱. مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب؛ چاپ چهل و هشتم، قم: صدرا، ۱۳۷۲.
۴۲. معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش؛ منشور تربیتی دختران؛ تهران: تربیت، ۱۳۷۸.
۴۳. معین الاسلام، مریم؛ زنان و برنامه تربیتی اسلام؛ قم: بیت الاحزان، ۱۳۸۳.
۴۴. منجرسکایا؛ «بازی های ابتکاری در تعلیم و تربیت کودکان»؛ نقش بازی در پرورش فکری کودکان (مجموعه مقالات)، تهران: دنیای نو، ۱۳۷۷.
۴۵. منصورنژاد، محمد؛ مسائل دختران؛ چاپ اول، تهران: جوان پویا، ۱۳۸۴.
۴۶. مهریزی، مهدی؛ آسیب شناسی حجاب؛ تهران: جوانه رشد، ۱۳۷۹.
۴۷. میرزا خسروانی، علیرضا؛ تفسیر خسروی؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰.
۴۸. نخعی، زینت؛ «علل ضعف پوشش و راه کارهای بهینه سازی آن»؛ بانوان شیعه، ش ۱۰، ۱۳۸۵.
۴۹. نیکخو، محمدرضا و هامایاک آوادیس بانس؛ زندگی جنسی زنان؛ تهران: سخن، ۱۳۸۰.